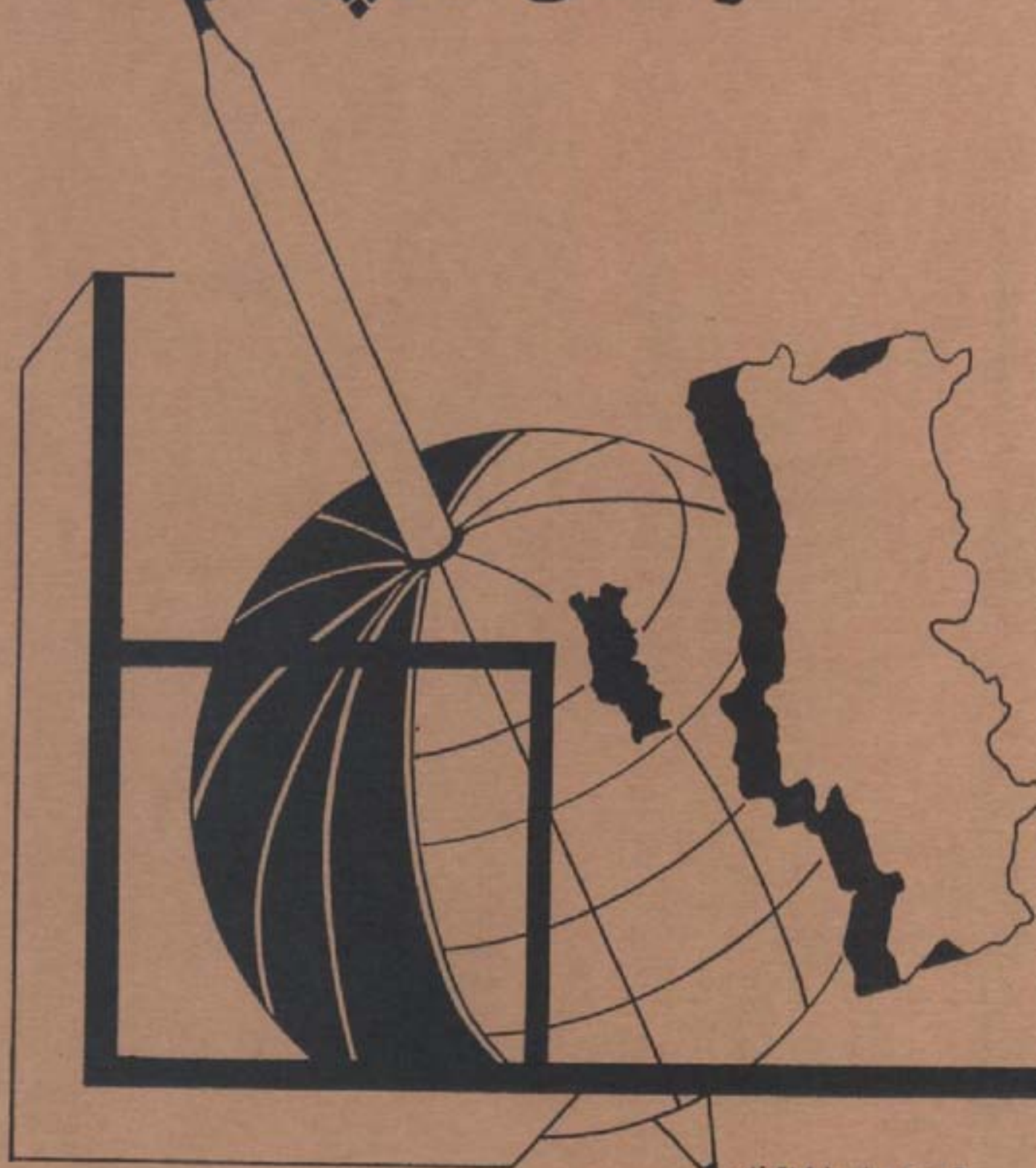


سیاست گذاری فرهنگی در پرتقال



ترجمه: داود غرایاق زندی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست‌گذاری فرهنگی در پرتغال

ترجمه:

داوود غرایاق زندی

منبع این ترجمه سایت اینترنتی با عنوان
Cultural Policies in Europe
"A Compendium of Basic Facts and Trends"

به آدرس زیر است:

<http://www.culturalpolicies.net>

سیاست گذاری فرهنگی در پرتغال / ترجمه داوود غرایاق زندی . - تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۰.

[۳۶] ص: جدول، نمودار.

۴۰۰۰ ریال: ISBN 964-93574-0-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ص.ع. به انگلیسی: Cultural poli.

۱. سیاست فرهنگی -- پرتغال -- برنامه ریزی.

الف. سپرده، پروانه، ۱۳۳۱ - ، مترجم.

ب. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۳۰۶/۰۹۹۴۶۹ HM ۱۰۱/س۹

۱۳۸۰

کتابخانه ملی ایران ۱۷۴۳۷ - ۸۰ م
محل نگهداری:



مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات

سیاست گذاری فرهنگی در پرتغال

کاری از: گروه سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی

ترجمه: داوود غرایاق زندی

ویرایش: پروانه سپرده

نوبت انتشار: اول

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۳۵۷۴-۰۰-۸

نشانی ناشر: تهران، پایین تر از میدان ولی عصر، خیابان دمشق، شماره ۱۱، پژوهشگاه

فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تلفن و دورنگار: ۸۹۰۱۲۹۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	سخن ناشر
۱	۱- دیدگاه تاریخی؛ سیاست‌ها و ابزارهای فرهنگی
۲	۲- صلاحیت، تصمیم‌گیری، اجرا
۵	۳- اهداف و اصول کلی سیاست‌گذاری فرهنگی
۸	۴- مسایل و مباحث جاری مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی
۲۰	۵- مواد مهم قانونی در حوزه فرهنگ
۲۳	۶- تأمین بودجه فرهنگ
۲۷	۷- مؤسسات فرهنگی و مشارکت‌های جدید
۳۰	۸- حمایت از خلاقیتها

سخن ناشر

«سیاست‌گذاری فرهنگی در پرتغال» سومین عنوان از مجموعه نوشته‌ای است که در خصوص تجربیات سیاست‌گذاری فرهنگی کشورهای مختلف جهان ترجمه و ارائه شده است.

این مجموعه بر آن است تا با ارائه دیدی ساختاری، نظام‌مند و عینی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورهای صاحب فرهنگ ملی و تجربه برنامه ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی را معرفی نموده و از این بستر، زمینه‌آشنایی مدیران، کارگزاران و برنامه ریزان فرهنگی کشورمان را با ساز و کارهای سیاست فرهنگی سایر کشورها فراهم آورد.

نگاه تطبیقی و شناخت دیگر مدلها، قاعدتاً بایستی منجر به ارائه راهکارهای کارآمدتر و خردگراتر از سوی مدیران و برنامه ریزانی گردد که بر اهمیت فرهنگ به عنوان زیربنای توسعه پایدار اتفاق نظر دارند.

امید است این مجموعه بتواند به مثابه نخستین قدم روشنی‌هایی بر چگونگی و شیوه‌های برنامه ریزی و سیاست‌گذاری سایر کشورها بتاباند و سیاست‌گذاران را مفید فایده افتد.

گروه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی فرهنگی

۱- چشم‌انداز تاریخی: سیاست‌ها و ابزارهای فرهنگی

تا ۲۴ آوریل ۱۹۷۴، پرتغال دارای حکومت ضدکمونیستی، ضدلیبرالی و ضدملی به نام "سالازاریست" (Salazalist) بود که متعاقب کودتای نظامی در ۲۸ می ۱۹۲۶ روی کار آمده بود. یکی از علایق مهم این حکومت، سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی در جهت مقاصد تبلیغاتی بود. رژیم اقتدارگرای "استادو نوو" خود را برای تصمیم‌گیری در مورد نوع فرهنگ مناسب برای پرتغال و نحوه شکل‌گیری ارزش‌های منتسب به آن فرهنگ محق می‌دانست. به علاوه نظام آموزشی و سانسور نقشی بسیار جدی داشت.

کودتای نظامی ۲۴ آوریل ۱۹۷۴ به حیات رژیم سالازاریست پایان داد و مقدمات ایجاد دموکراسی در پرتغال را با تغییرات عمیق در سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ پدید آورد. تا جولای ۱۹۷۶ شش دولت موقت برای مدت بسیار کوتاه، سرکار آمدند. کناره‌گیری ششمین دولت موقت در سال ۱۹۷۶ با آغاز دوران جدید سیاسی در کشور همراه بود که طی آن سیزده حکومت مشروطه به‌طور متوالی اعمال قدرت کردند و سیزدهمین آنها، همین حکومت فعلی است.

در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ سه دولت سوسیال دموکرات متوالی (یعنی حکومت‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) سرکار بودند و از این‌رو خطوط کلی سیاست‌گذاری فرهنگی نسبتاً همگون باقی ماند. برنامه این دولت‌ها که حاکی از توجه به میراث فرهنگی و مطالعه، اما در مقابل عنایت اندک به رقص و باله، هنرهای دیداری، تئاتر و سینما و هنرهای شنیداری بود در میزان مصوبات آنها در حوزه‌های مختلف بازتاب داشت.

دولت سوسیالیست کنونی در اکتبر ۱۹۹۵ به قدرت رسید. بیانیه‌های سیاسی دولت مذکور حاوی دیدگاهی است که در آن نقش دولت در حوزه فرهنگ، نسبت به سه دولت قبل، مداخله‌جویانه‌تر است. این برنامه‌های حکومتی، فضای بیشتری را فراهم می‌آورد و فرهنگ، تحت نظر وزارتخانه‌ای در امور فرهنگی - که یکی از اولویت‌های حوزه فعالیت دولت است - قرار می‌گیرد.

ساختار قبلی دبیرخانه دولت اصلاح شده است، نهادهای موجود تجدید ساختار گردیده و مجموعه‌های جدیدی بوجود آمده‌اند.

۲- صلاحیت، تصمیم‌گیری، اجرا

۱-۲- ساختار سازمانی (شماره سازمانی)

وزارت فرهنگ از زمان تأسیس خود با کشیدن خط تمایز میان ادارات (خدمات مرکزی و ادارات منطقه‌ای) و مؤسسات عمومی تحت نظارت خود، که از درجه استقلال بیشتری برخوردارند، اقدام به اصلاحات اداری نموده است.

۲-۲- توصیف کلی سیستم

علی‌رغم اینکه از سال ۱۹۸۵ دولتها، در مورد برنامه‌های فرهنگی، قصد همکاری با مقامات محلی را - از طریق تفویض قدرت و مسؤولیتها - داشتند با این حال تفویض مسؤولیت‌های فرهنگی از جانب ارگانهای مرکزی به [ارگانهای] منطقه‌ای و محلی برای مدت زمان طولانی‌ای به تأخیر افتاد. به‌هرحال، قدرتهای منطقه‌ای نقش مهمی ایفا نمودند. این قدرتها در سال ۱۹۸۰ با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای، در دسترسی به فرهنگ، ایجاد شده‌اند. آنها از سال ۱۹۸۸ با وجود بودجه بسیار اندک از استقلال اداری و مالی برخوردار بوده‌اند. در صورت عدم استقلال واقعی، در بسیاری مواقع نقش مقامات منطقه‌ای قابل مقایسه با نقش نماینده‌ای از وزارت فرهنگ در نواحی دور افتاده، خواهد بود. مواردی از واگذاری وظایف نمایندگی‌های دولت مرکزی وجود داشته است، اما این امر دقیقاً فوایدی نمرکززدان نبوده است.

واگذاری قدرت و سرمایه، موضوع بحث‌های فشرده در طول فرایند دوم سال ۱۹۸۸ برای منطقه‌گرایی بود (منطقه‌گرایی با ۶۳/۵٪ رای "منفی" رد شد).

۳-۲- همکاری میان‌بخشی یا درون‌دولتی

با هدف ارتقای همکاری از طریق سیاست‌گذاریهای یکپارچه متقاطع، تعدادی پروتکل بین وزیر فرهنگ و سایر وزرا منعقد گردید. به عنوان مثال، همکاری با وزارت آموزش و پرورش در مورد ایجاد شبکه کتابخانه ملی، همکاری با وزارت کار و همبستگی در مورد تشویق مطالعه به عنوان راهی برای مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی، همکاری با وزارت بهداشت جهت انتشار مطالبی در مورد پیشگیری از بیماری‌ها، همکاری با وزارت تولید، برنامه‌ریزی و مدیریت ملی جهت ارتقای آموزش کارکنان فرهنگی ادارات محلی و غیره.

۳- اهداف و اصول کلی سیاست‌گذاری فرهنگی

۳-۱- عناصر اصلی الگوی جاری سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح ملی برنامه حکومت فعلی اقدامات ویژه‌ای را در بخش فرهنگ بر طبق پنج اصل کلی مقرر داشته است:

(۱) همگانی‌کردن: که اساساً از طریق گسترش دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی، تقویت آموزش‌های هنری و تضمین تعهدات فرهنگی مربوط به خدمات رادیو و تلویزیون دولتی صورت می‌گیرد.

(۲) تمرکززدایی: از طریق همکاری با مؤسسات و مسئولین محلی در امور فرهنگی، تأسیس شعبات منطقه‌ای و نمایندگی‌های ملی و تأکید بر عنصر سیاحتی در طرح‌هایی که توسط دولت تأمین بودجه می‌گردد.

(۳) بین‌المللی‌گرایی: از طریق مشارکت نهادهای پرتغالی در طرح‌های بین‌المللی و تشویق فرهنگ پرتغالی در خارج از کشور.

(۴) تخصص‌گرایی: از طریق ایجاد ارتباط بین مؤسسات فرهنگی دولتی و مؤسسات آموزشی و بازآموزی حرفه‌ای.

(۵) تجدید ساختار: یکی از مهمترین ابعاد سیاست‌گذاری فرهنگی دولت، واگذاری نهادهای بنیادی به نمایندگی‌های انعطاف‌پذیری است که از خودمختاری قابل ملاحظه‌ای برخوردارند.

در رابطه با این نمایندگی‌ها (نگاه کنید به شمای ساختاری)، فرض بر این است که آنها نه تنها از خودمختاری کارکردی قابل توجهی برخوردار خواهند بود، بلکه خواهند توانست روابط ضروری و متقاطع را تأمین نمایند. بنابراین، این تصمیم برای حفظ هسته مرکزی بسیار کوچک از خدمات اتخاذ شده است که مستقیماً توسط وزارتخانه برای ایجاد حمایت فنی و اداری مدیریت می‌شود و مجموعه‌های باقیمانده را از منزلت [مجموعه‌های] شخصیت‌های کورپراتور برخوردار می‌سازد که تابع قانون عمومی هستند (قانون مصوب ۷ می ۱۹۹۶ به شماره ۴۲/۹۶).

در خارج از حوزه دولتی، دیگر مجموعه‌های دولتی یا خصوصی نیز در قلمرو فعالیت‌های فرهنگی نقشی فعال بازی می‌کنند.

در میان دفاتر نمایندگی فرهنگی، باید از مؤسسه Camoes (IC) نام برد که در مقابل وزارت امور خارجه (MNE) پاسخگو است، نیز باید از اداره کل آثار تاریخی و ساختمان‌های ملی (DGEMN) وزارت تولید، برنامه‌ریزی و مدیریت ملی (MEPAT) که در ساخت و حفظ آثار فرهنگی نقش دارد، نام برده شود.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، نقش کمیسیون‌هایی است که توسط ریاست شورای وزیران تعیین می‌شوند تا رویدادهای فرهنگی مهم مانند بزرگداشت کاشفان پرتغالی، اروپالیا (Europalia) ۱۹۹۱، نمایشگاه جهانی سوئیل ۱۹۹۲ و نمایشگاه جهانی لیسبون ۱۹۹۸، را ترتیب دهند.

در سطح منطقه‌ای و محلی، مقامات مدنی و شهرداری نیز در تشویق و توسعه ابتکارات حوزه فرهنگی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند.

در میان مجموعه‌های خصوصی، باید به بنیاد (Calouste Gulbenkian) اشاره شود که در سال ۱۹۵۶ تأسیس گردید و در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی نقشی جدی ایفا نمود، نیز بنیاد شرق که در سال ۱۹۸۸ با هدف تقویت روابط تاریخی و فرهنگی بین پرتغال و کشورهای شرق، مخصوصاً ماکائو و هند، تأسیس شد؛ بنیاد (Serralves) که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد و اخیراً نیز موزه ملی هنرهای معاصر را دایر نموده است و بالاخره (Culturgest) واحدی است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و از آن پس در بخش فرهنگی نقش مهمی را ایفا نمود.

۲-۳- تعریف ملی فرهنگ

باید اشاره کرد که برداشت جدید از فرهنگ، جایگزین نگرشی از آن شده است که فرهنگ را امری تزئینی و ثانوی قلمداد می‌کرد. طبق نظر وزارت فرهنگ، جهت سیاست‌گذاری جاری فرهنگی را، در حقیقت، این ایده تعیین می‌کند که فرهنگ،

نقشی کلیدی در پیشرفت کشور دارد و سیاست فرهنگی باید تا جایی که ممکن است براساس چشم‌اندازی متقاطع تنظیم شود.^۳ این امر بدین معنی است که در رابطه با تقویت وضعیت فرهنگ، به‌جای این توهم که منطق بازار را می‌توان برای فرهنگ به کار بست، باید تشخیص داد که بین این دو رویکرد اختلاف قطعی وجود دارد، بخش‌های خاصی از فرهنگ بدون دخالت کافی و وافی دولت ماندگار نیست و همچنین تنوع منابع سرمایه‌گذاری مخصوصاً سرمایه‌های خصوصی باید میزان و کیفیت فعالیت‌های فرهنگی را افزایش دهد، اما این امر نباید جایگزین عملکرد دولت شود.^۴ (یادداشت وزیر فرهنگ پرتغال در باب سیاست‌های فرهنگی پرتغال، گزارش ملی، ص ۳).

۳-۳- آیا اهداف سیاست فرهنگی، انعکاس اصول شورای اروپاست؟

شورای برنامه اروپا برای ارزیابی سیاست‌گذاری‌های ملی فرهنگی سه مجموعه کلیدی از اهداف کلی را تعیین کرده است که انعکاس اصول شورا است: تشویق خلاقیت، تمرکززدایی در مورد مسؤلیت‌ها و فعالیت‌ها و گسترش مشارکت در زندگی فرهنگی. اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی تا چه حد منعکس‌کننده این اصول است؟ علاوه بر ۵ اصلی که قبلاً به آنها اشاره شد، به‌شماره‌ای از عناوین فعالیت‌های مربوط به این سه اولویت باید اشاره کرد: کمک به بروز خلاقیت هنری و فرهنگی؛ مانند کمک‌های دولتی مخصوصاً در زمینه تئاتر و تولید فیلم، ایجاد نهادهای جدید (نظیر مؤسسه هنرهای معاصر، مؤسسه سینماتوگرافی و هنرهای دیداری - شنیداری)، تمرکززدایی؛ نظیر برنامه‌هایی که از طریق واگذاری برخی از فعالیت‌ها توسط وزارتخانه خدمات فرهنگی به اجرا درمی‌آید (شامل فیلم، هنرهای دیداری، نشر و غیره) و همگانی کردن؛ از طریق اجرای برنامه تشویق مطالعه در سطح ملی با هدف آموزش کارگران، دستیابی به مواد و مطالب مربوط به تشویق مطالعه و انتشار آنها و ایجاد تسهیلات و آگاهی در سراسر کشور.

۴- مسایل و مباحث جاری مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۱- اولویت‌های سیاست فرهنگی در پنج سال گذشته

پنج سال گذشته، مشارکت دو دولت را (دولت دوازدهم، سوسیال دموکرات، و دولت سیزدهم، حکومت سوسیالیست فعلی) دربرداشته است. برنامه دولت دوازدهم بر تجدیدنظر در قانون حمایت و گسترش روابط با سایر بخش‌های فرهنگی نظیر بنیادها، مجموعه‌داران و انجمن‌های حمایت از میراث [فرهنگی] تأکید داشت؛ همچنین بر حمایت از زبان و فرهنگ پرتغالی تأکید می‌کرد. این تأکید جدی بر عنصر ملی‌گرایی، توسط مخالفان مورد نقد قرار گرفت. اولویت‌های سیاست فرهنگی دولت فعلی از پنج اصل مطرح شده در فصل ۳ نشأت می‌گیرد.

۴-۲- مسائل و مذاکرات مربوط به سیاست‌گذاری اخیر

حمایت رسانه‌های دیداری - شنیداری و شبکه‌های چندرسانه‌ای و قیمت ثابت کتاب جزء عناوین اصلی مذاکرات اخیر بوده است. جالب توجه است که دو مورد اول قبلاً در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در پرتغال مورد بحث قرار گرفته بود، این دو عنوان (سرمایه‌گذاری خصوصی و حمایت از فرهنگ و توسعه شبکه‌ها)، دقیقاً موضوعات اصلی بحث در چهارچوب شورای همکاری فرهنگی اروپا در آن زمان بود. قیمت ثابت کتاب که همواره مدنظر بود، در سال ۱۹۸۹ در پرتغال مطرح شد. بعد از تلاش ناموفق در سال ۱۹۹۲، در سال ۱۹۹۶ قیمت‌های ثابت به واسطه قانون برقرار شد.

۴-۲-۱- تمرکززدایی در مقابل مرکزگرایی

در پرتغال تنها بعد از ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ بود که فرآیند تمرکززدایی، از طریق اعطای خودمختاری مالی به مسئولین محلی، آغاز شد. قانون اختیارات محلی در سال ۱۹۸۴ تصویب گردید (مسئولیت‌ها در سه حوزه وسیع - خدمات و فراساخت‌های

عمومی، حفظ محیط‌زیست و کیفیت زندگی، و فرهنگ، اوقات فراغت و ورزش - مورد تصریح قرار گرفتند). قانون بودجه محلی در سال ۱۹۸۷ به تصویب رسید. دخالت مسئولین محلی در حوزه فرهنگ، به‌ویژه از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به‌طور قابل توجهی افزایش یافت، معهدا، انجمن ملی شهرداری‌های پرتغال (National Association of Portuguese Municipalities) به توزیع نابرابر منابع ملی اشاره کرده است (مسئولین محلی ۷ درصد از هزینه عمومی را به خود اختصاص می‌دهند، اما ۲۵ درصد سرمایه‌گذاری و ۱۸ درصد استخدام عمومی را به‌عهده دارند).

برخی نمونه‌های جدید و مثبت تمرکززدایی نیز وجود دارد که ایجاد یا مرمت تسهیلات فرهنگی در چندین مرکز ناحیه‌ای، توسعه شبکه‌ها (کتابخانه‌های عمومی، آرشیوهای شهرداری، و غیره)، اجرای برنامه‌های سیاحتی و آموزشی و افزایش تعداد جشنواره‌ها در شمال و جنوب کشور از جمله آنهاست. برای ارزیابی هزینه فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و شهری / محلی به فصل ۶ مراجعه نمایید.

۴-۲-۲- اشکال جدید همکاری‌های فرهنگی در سطح بین‌المللی

سیاست‌گذارهای ملی فرهنگی به لحاظ جهان‌گرایی بر سه بحث عمده استوار است: نخست، استفاده از زبان پرتغالی و ایجاد روابط با اجتماعات و کشورهایی که زبان رسمی آنها پرتغالی است. این امر از طریق ایجاد مؤسسه‌های ملی (نظیر مؤسسه کاموس) و مؤسسه‌های بین‌المللی (نظیر جامعه کشورهای پرتغالی زبان (CPLP) و همکاری با آن دسته از کشورهای آفریقایی که زبان رسمی آنها پرتغالی است (PALOP) و گسترش زبان و فرهنگ پرتغالی (تأسیس مراکز فرهنگی در خارج از کشور و شبکه مروجان، خبرگزاری‌های رادیو و تلویزیون، و شبکه‌های چندرسانه‌ای - جداول ۱ و ۲) صورت می‌گیرد.

جدول ۱- مراکز فرهنگی پرتغال در خارج از کشور، ۱۹۹۷

کشور	محل	سال تأسیس
چین	پکن	۱۹۹۳
هند	دهلی نو	۱۹۹۳
ژاپن	توکیو	۱۹۹۳
کره جنوبی	سئول	۱۹۹۳
تایلند	بانکوک	۱۹۹۳
فرانسه	پاریس	۱۹۹۴
گینه بیسائو	بیسائو	۱۹۹۴
موزامبیک	ماپوتو	۱۹۹۴
سنت تام و پرنسیپ	سائو تومه	۱۹۹۴
آنگولا	لوآندا	۱۹۹۵
برزیل	برازیلیا	۱۹۹۵
کیپ ورد	سی دادپرایا	۱۹۹۵

Source: Ic, Actividades, 1996/97, Lisbon, 1997. P.54-56.

جدول ۲- شبکه زبان پرتغالی و آموزش فرهنگی قاره‌ای، ۱۹۹۷

قاره	سخنرانان	اساتید دانشگاهها	دستیاران	دانشگاههای شرکت‌کننده
آفریقا	۴۰	-	۲۵	۲
آمریکا	۱۸	۴	۱۸	۱
آسیا	۸	-	۷	-
اروپا	۹۵	۴	۹۷	۱۷
اقیانوسیه	۱	-	۱	-
جمع کل	۱۶۲	۸	۱۴۸	۲۰

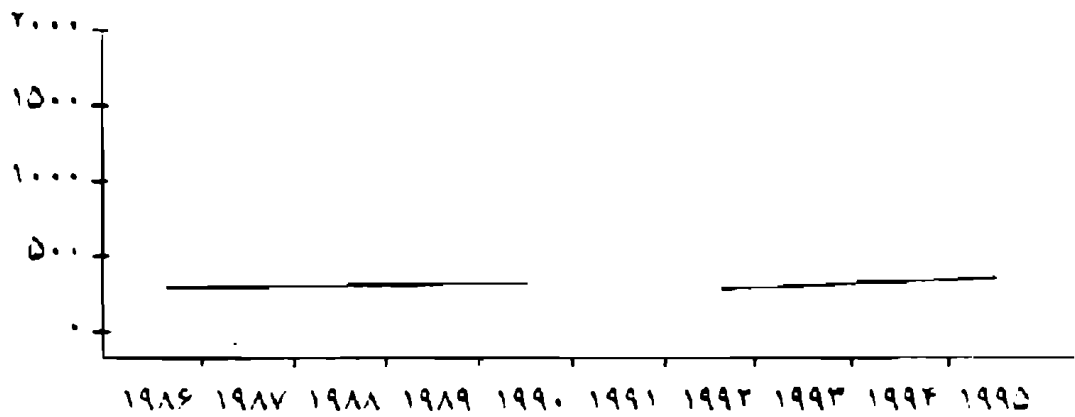
Source: Ic, Actividades 1996/97, Libson, 1997. P.17.

اولویت دوم، گسترش آثار هنری برجسته پرتغال در خارج از کشور و سازماندهی یا مشارکت در رویدادهای فرهنگی مهم است، مانند اروپالیا ۱۹۹۱، لیسبون - پایتخت فرهنگی اروپا - ۱۹۹۴، نمایشگاه جهانی "اقیانوس‌ها، میراثی برای آینده"، اکسپو ۱۹۹۸ و نشر آثار و نمونه‌های هنری خلاق خارجی در پرتغال. اولویت سوم، حضور پرتغال در محافل بین‌المللی (یونسکو، شورای اروپا و اتحادیه اروپا) است که این کشور به‌طور منظم در برنامه‌های آنها شرکت دارد. این سیاست از انزواگرایی خاص "استادو نوو" سال‌آزار فاصله بسیار دارد.

۴-۲-۳- توسعه میراث [فرهنگی]

از زمان بوجود آمدن انجمن میراث فرهنگی پرتغال در سال ۱۹۸۰، اقداماتی - به‌طور متوالی - صورت گرفته است: تجدید ساختار سازمانی، ایجاد شبکه ملی آرشیوها و گردآوری میراث ملی. علی‌رغم این تجدید سازمان، میراث [فرهنگی] به‌صورت حوزه‌ای از مسؤولیت‌های متداخل و رقابتی باقی‌مانده است. آگاهی اجتماعی از ارزش میراث فرهنگی افزایش یافته است، به‌طور هم‌زمان نیز تعداد ساختمان‌ها و موزه‌هایی که برای بازدید عموم آزادند، افزایش یافته است، این امر باعث جذب تعداد فزاینده‌ای از بازدیدکنندگان در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ و علاقمندی زیاد آنان به لیسبون شده است (نمودارهای ۲ و ۳).

نمودار ۲- ساختمان‌های فهرست‌شده [آزاد برای بازدید عموم]

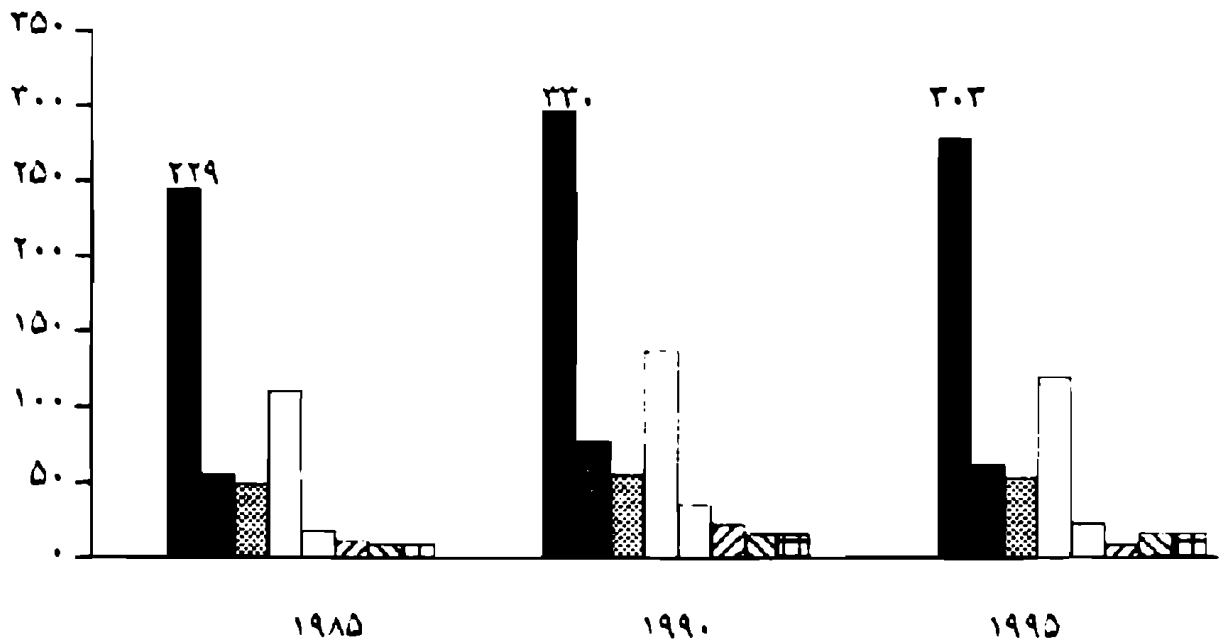


..... کتابخانه‌های عمومی بین‌المللی آثار ملی مکانهای مربوط به شهرداری

Source: INE, Estatísticas da Cultura Deporto e Recreio (1985-1995)

تذکره: اطلاعاتی از سال ۱۹۹۱ وجود ندارد.

نمودار ۳- موزه‌هایی که برای بازدید عموم آزادند، ۱۹۸۵-۱۹۹۵

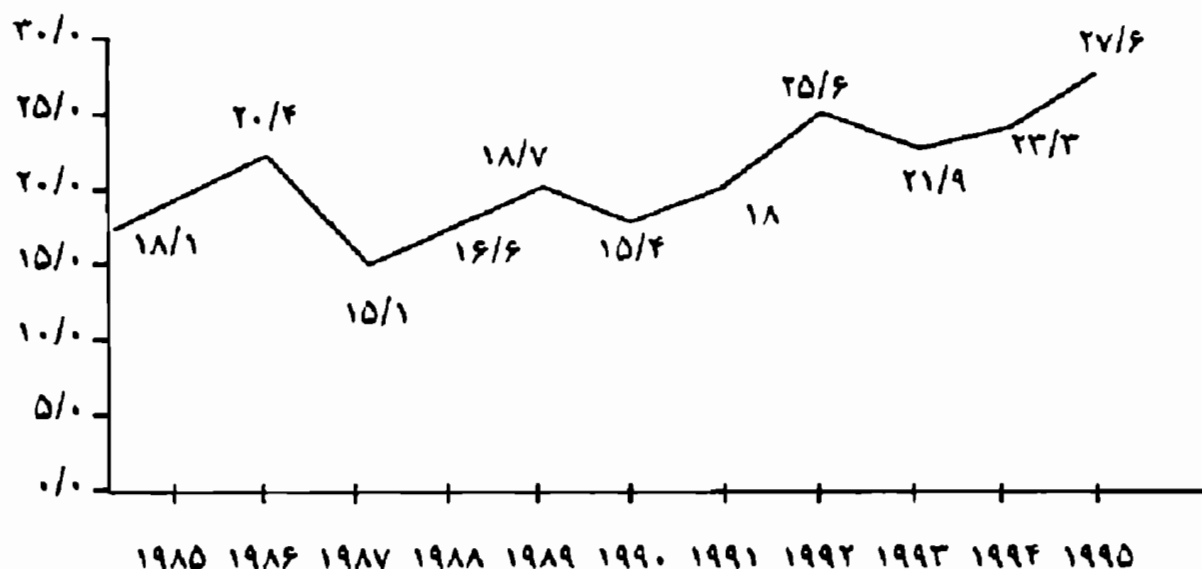


مدیرا آزوری آلگارو آلنتجو ناحیه لیسبون مرکز شمال پرتغال

تذکره: مجموع آمار سال ۱۹۸۵ از مجموع آمار ناحیه‌ها بدست آمده است.

به این نکته باید اشاره شود که هزینه مربوط به میراث ملی (نمودار شماره ۴) با رشد ۱۴۴/۷ درصدی مواجه بوده است.

نمودار شماره ۴- هزینه میراث ملی ۱۹۸۵-۹۵



Source: SEC / DGESGO / GP, Cultura. Relatorio de Actividades, 1985-1995.

برای کسب اطلاعات بیشتر به "سیاست‌های میراث فرهنگی در اروپا": کشور پرتغال، رجوع کنید.

۴-۲-۴- استراتژی‌های ایجاد اشتغال در بخش فرهنگی

علی‌رغم شکاف‌هایی که در داده‌های موجود در مورد اشتغال، در حوزه هنرها، وجود دارد، جدول شماره ۳، برخی مواد لازم برای تجزیه و تحلیل را فراهم می‌کند.

جدول شماره ۳- سهم کارگاه‌های حرفه‌ای در بخش‌های مختلف

هنری، ۱۹۹۵

بخش‌ها	سال ۱۹۹۵
هنرهای دیداری	۴/۹ درصد
موسیقی	۴/۲ درصد
هنرهای نمایشی	۴/۹ درصد
- رقص	۱/۲ درصد
- تئاتر	۳/۷ درصد
رسانه‌های دیداری - شنیداری	۳۶/۸ درصد
- فیلم	۷/۹ درصد
- تلویزیون	۷/۳ درصد
- رادیو	۴/۲ درصد
- فیلم + تلویزیون + رادیو	۱۷/۴ درصد
مطالعه	۳/۳ درصد
- کتاب	۲/۲ درصد
- کتابخانه‌ها	۱/۰ درصد
حفظ و نگهداری	۱۲/۸ درصد
- میراث [فرهنگی]	۰/۵ درصد
- موزه‌ها و بایگانی‌ها	۱۲/۳ درصد
فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی	۳۳/۱ درصد
جمع کل	۶۰.۸۶

Source: Ministry of Labour and solidarity occupational categories.

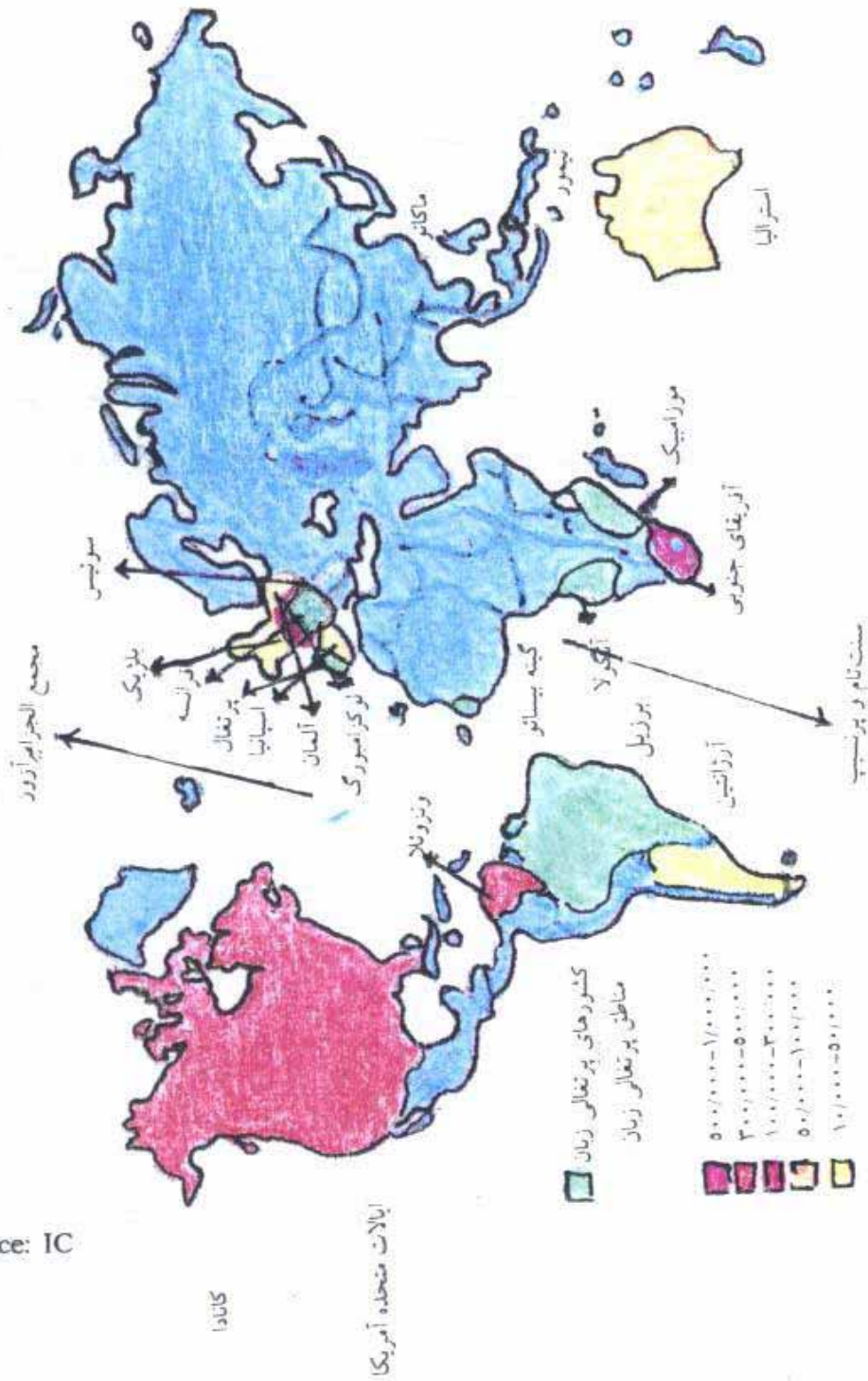
اگرچه ممکن است جمع‌آوری داده‌ها به‌طور کامل صورت نگرفته باشد، با این حال نمودارها به مشاغل ویژه هنری مربوط می‌شوند (که نشان‌دهنده ارتقاء سطح اشتغال در رشته‌های مختلف فعالیت [هنری] است)، داده‌ها مشاغل حرفه‌ای آزاد را دربرنمی‌گیرد و احتمالاً این محدودیت، حضور نسبتاً کم موسیقی و هنرهای نمایشی را - در مقایسه با آنچه انتظار می‌رفته است - توضیح می‌دهد.

تقویت فعالیت‌های مربوط به رسانه‌های دیداری - شنیداری و فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی (که اولی دربرگیرنده برخی از مشاغل و دومی تقریباً منحصر به مشاغل تسهیل‌کننده است) نشان‌دهنده اهمیت این فعالیتها در بازار کار فرهنگی است. از آغاز سال ۱۹۹۸، ایجاد سیستم صدور مجوزهای حرفه‌ای اهمیت خاصی را در تنظیم این بازار، مخصوصاً در بخش هنرهای نمایشی - که از بیشترین شمار خودکارفرمایان برخوردار است - داشته است.

۴-۲-۵. مباحث و سیاست‌های زبانی

اگر نگاهی به نقشه کشورهای پرتغالی زبان - که امروز جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ میلیون نفر را شامل می‌گردد - بیندازیم، گسترش وسیع زبان پرتغالی در سرتاسر کشورهای که به زبان پرتغالی صحبت می‌کنند و نیز در اجتماعات مهاجر مشخص می‌شود.

نمودار ۵- نقشه «گسترهٔ زبان پرتغالی در سرتاسر جهان»



Source: IC

انجمن تازه تأسیس کشورهای پرتغالی زبان (CPLP) که در سال ۱۹۹۶ بوجود آمد، سیستمی از ارتباط زبانی و فرهنگی (در میان پرتغالی‌ها و گونه‌های جغرافیایی و اجتماعی آن) ایجاد نموده است که در آن ملت‌های متعدد می‌توانند برای بیان [مقاصد] خود از زبان مادری یا زبان رسمی خود استفاده نمایند.

تأسیس (CPLP) به صورت مؤسسه به واسطه شماری از عوامل (که باعث گردآمدن مردم می‌شد، که از جمله آنها به ویژه زبان است) ممکن گردید اما مؤسسه با برخی از عوامل که افراد را از هم جدا می‌سازد (به ویژه نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی بین کشورهای پرتغالی زبان) نیز روبرو بوده است.

۴-۲-۶- رابطه بین رسانه‌ها و فرهنگ ("هویت")

به لحاظ میزان تأثیر، بین گروه‌های رسانه‌ای مهم پرتغالی و تولیدکنندگان کوچک (که بسیار ضعیف هستند)، مخصوصاً در حوزه دیداری - شنیداری، شکاف بزرگی وجود دارد. اهمیت موافقت‌نامه‌های اخیر و شکلهای ارتباط بین بازیگران متعدد در حوزه مربوط به تولیدکنندگان فیلم، ایستگاهها و پخش‌کنندگان تلویزیون نیز در همین جا نهفته است. در اینجا شرط لازم تنوع و پایایی است.

در سال ۱۹۹۷، "گزارش (CIMA)" (که کمیته بین وزارتخانه‌ای در مورد رسانه‌های دیداری - شنیداری آن را منتشر کرد) برای برنامه‌های تلویزیونی، ۱۰ درصد تولید ابتکاری، ۴۰ درصد تولید به زبان پرتغالی و ۳۰ درصد تولید ملی را به عنوان سهمیه ماهانه پیشنهاد داد.

۴-۲-۷- مسائل برابری و سیاست‌گذاری فرهنگی

طبق بیانیه‌های سیاسی دولت فعلی، همگانی کردن از اولویت قطعی برخوردار است:

الف) افزایش دسترسی شهروندان به فعالیت‌های فرهنگی، ایجاد مجموعه‌های

فرهنگی، کمک به توزیع محصولات چندرسانه‌ای که هزینه‌های دسترسی به فرهنگ را کاهش خواهد داد و همکاری با وزارت دارایی در مورد کسر هزینه مربوط به مصرف کالاها و خدمات فرهنگی از مالیاتی که توسط IRS تعیین می‌گردد (تا هر سقفی که مقرر گردد).

ب) همکاری نزدیک با وزارت آموزش و پرورش برای تقویت آموزش هنر و سایر فعالیتها جهت افزایش آگاهی فرهنگی چه به عنوان دروس مدارس رسمی و چه به صورت دوره‌های تخصصی.

ج) سیاست‌های هماهنگ‌کننده با دبیرخانه ارتباط جمعی دولت به منظور هدایت خدمات رادیو و تلویزیون عمومی در جهت تعهدات فرهنگی آنها. در حقیقت، تلاش‌ها و منابع در جهت گسترش تخصیص‌ها به کار گرفته شده‌اند تا آموزش و دستیابی به مخاطبین جدید. معهذاً، از سال ۱۹۹۵ تغییراتی بوجود آمده است، به عنوان مثال، تغییراتی در بسیاری از حوزه‌های مربوط به آموزش کارکنان فرهنگی و تشویق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی خاص و در تولید گزارش‌های تحقیقی - با هدف استفاده از دانش مربوط به این فعالیتها در استراتژیهای جذب برخی بخشهای جامعه و ارتقاء [سطح آگاهی] آنان - حاصل شده است که پیشرفت بخش‌های خاصی از جامعه را تضمین می‌نماید.

۴-۲-۸ آموزش هنرها، برنامه‌ها و الگوها

آموزش هنر، اعم از تخصصی یا عمومی، از رابطه سیاسی ضروری بین حوزه فرهنگ و حوزه آموزش - که انتظار می‌رفت برحسب قانونگذاری سال ۱۹۹۰ برقرار گردد - برخوردار نبوده است. اگرچه ابتکارات خصوصی به جهت پاسخ‌گویی (هرچند بسیار نامنظم) به تقاضای آموزشی - مناسب‌تر برای بازار کار موجود - در آموزش‌های هنری نقش دارد، اما این ابتکارات دوره‌های کوتاه مدتی را جهت اخذ گواهینامه ترتیب می‌دهند که ارزش آنها به سرعت از بین می‌رود.

جدول شماره ۴ و ۵ گرایش بیشتر به رشد مؤسسات آموزشی خصوصی نسبت به رشد مؤسسات آموزشی دولتی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴- میزان ثبت‌نام در آموزش‌های هنری، ۱۹۸۵-۱۹۹۵

مؤسسات	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
دولتی	۴۶۰۰	۶۰۳۷	۷۸۲۹	۵۶۴۷	۲۵۶۴	۴۶۷۶	۵۴۶۵	-	۶۰۸۸	۶۷۰۱
خصوصی	۱۰۱۴۹	۹۱۲۶	۹۹۳۴	۱۰۶۵۸	۱۰۴۲۹	۱۰۶۹۱	۹۷۹۴	۹۴۷۶	۱۰۶۸۶	۱۰۰۲۲
جمع کل	۱۴۷۴۹	۱۵۱۶۳	۱۲۷۶۳	۱۶۳۰۵	۱۲۹۹۳	۱۵۳۶۷	۱۵۲۵۹	-	۱۶۷۷۴	۱۶۷۲۳

Source: INE, Estatísticas da Educação, (up to 1991); Ministry of Education, Estatísticas da Educação (from 1992).

جدول شماره ۵- تعداد مؤسسات آموزش هنر، ۱۹۸۵-۱۹۹۴

مؤسسات	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
دولتی	۷	۱۰	۱۰	۹	۹	۱۰	۱۰	-	۸	۸
خصوصی	۱۸	۲۶	۲۶	۲۹	۳۰	۳۰	۲۰	۵۶	۵۹	۶۰
جمع کل	۲۵	۳۶	۳۶	۳۸	۳۹	۴۰	۳۰	-	۶۷	۶۸

Source: INE, Estatísticas da Educação, (up to 1991); Ministry of Education, Estatísticas da Educação (from 1992).

۴-۲-۹- صنایع فرهنگی: توسعه برنامه‌ها و مشارکت‌ها

سیاست‌های صنایع فرهنگی براساس نیاز به وجود تعادل میان کمک‌ها و قوانین بوجود آمده است. در مورد فیلم، کمک‌های مالی دولت معمولاً به سوی بازار تولید و نمایش فیلم سوق می‌یابد. اما از سوی دیگر، بازار، ایجاد سازوکارهایی را برای کنترل توزیع می‌طلبد. در این زمینه برای یافتن فصل مشترکی بین نمایندگی‌های وزارت فرهنگ و شرکتها - در بخش فرهنگ - تلاش می‌شود. باید اشاره شود که

تأسیس "صنایع محتوایی" در پرتغال در گرو تصمیماتی است که برای تبدیل مؤسسه فیلم‌برداری و [هنرهای] دیداری - شنیداری پرتغالی به مؤسسه فیلم، [رسانه‌های] دیداری - شنیداری و [شبکه‌های] چندرسانه‌ای اتخاذ می‌گردد. شماری از بخش‌های مختلف دولت خود را به برنامه‌هایی متعهد کرده‌اند که برای توسعه جامعه اطلاعاتی و بخش [هنرهای] دیداری - شنیداری (با همکاری منطقی بین وزارت فرهنگ، علوم و تکنولوژی و وزارت آموزش در مورد برنامه‌های اینترنتی برای مدارس) طراحی شده‌اند.

جدول شماره ۶ ارتباط نسبتاً قوی بین صنایع مختلف فرهنگی در پرتغال را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶- تخمین دریافتی‌های کل رسانه‌ها، ۱۹۹۰-۲۰۰۰
(شاخص: میلیارد اسکودو به قیمت‌های جاری)

میزان تغییر (به درصد) ۱۹۹۰-۲۰۰۰	۲۰۰۰	۱۹۹۶	۱۹۹۰	
٪۱۶۳	۱۰	۷/۵	۳/۸	سینما
٪-۳۸	۲/۵	۲	۴	اجاره ویدئو
٪۷۰۰	۸	۴/۶	۱	فروش ویدئو
٪۱۰۰	۶۰	۵۵	۳۰	تلویزیون
-	۳	۰	۰	تلویزیون (pay tv)
-	۵	۲	۰	تلویزیون کابلی
٪۶۷	۷۵	۶۵	۴۵	روزنامه
٪۱۲۵	۴۵	۳۵	۲۰	مجلات
٪۴۰	۳۵	۳۰	۲۵	کتاب‌ها
٪۶۷	۲۵	۲۰	۱۵	موسیقی
-	۲	۰/۳	۰	رسانه‌های چندمنظوره‌ای
٪۸۸	۲۷۰/۵	۲۲۱/۴	۱۴۲/۸	جمع کل

Source: Relatorio CIMA. Data from IPACA and FEVIP and estimates by the magazine Revista Briefing which are quoted by them.

۴-۲-۱۰. اقلیت‌های فرهنگی، مواد ویژه قانونی، برنامه هنرهای همگانی با این فرض که اختلافات اجتماعی و فرهنگی بین اقلیت‌ها و اکثریت پرتغالی زبان چندان اهمیتی ندارد، باید بگوییم هیچ پدیده‌ای "با نشان قویاً قومی" در این جامعه وجود ندارد، یعنی هیچ مشکل سیاسی و اجتماعی قومی مربوط به بیگانه‌ترسی یا نژادگرایی گسترده به چشم نمی‌خورد؛ تنها نشانه‌های اندکی از تعارضات قومی وجود داشته است.

می‌توان گفت اخیراً توجه مقامات سیاسی به مسایل مربوط به اقلیت‌های قومی در پرتغال معطوف شده و در پنج سال گذشته، دولت خود را برای دخالت بیشتر آماده کرده است. یکی از گامهای اساسی، برقراری فرآیندی است که به مهاجرین غیرقانونی (بین سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶) حق اقامت قانونی فوق‌العاده اعطا می‌نماید.

از اقدامات دیگر، ایجاد دبیرخانه به منظور هماهنگی در زمینه برنامه‌های آموزشی - فرهنگی چندجانبه‌ای (۱۹۹۱) و طرح آموزشی میان فرهنگی (۱۹۹۳) بوده است. کمیسیون عالی مهاجرت و اقلیت‌های قومی در سال ۱۹۹۶ ایجاد شد. گروهی جهت کار در باب برابری و همگرایی کولی‌ها (Gypsies) نیز در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. دیگر اقدام مهم، اعلام قانون انتخابات مسئولین محلی (در ۱۹۹۶) بود که بر حق رأی و موقعیت خاص شهروندان غیرپرتغالی در انتخاب نمایندگان مسئولین محلی نظارت می‌کرد. شماری از اقدامات نیز برای مبارزه با محرومیت اجتماعی انجام شد (نظیر برنامه مبارزه با فقر و برنامه تضمین حداقل درآمد) که بر بخش قابل توجهی از اقلیت‌های قومی تأثیرگذار بوده است.

۵- مواد مهم قانونی در حوزه فرهنگ

۵-۱- کلیاتی در مورد کفایت قانونی

اهمیت نسبی حوزه‌های مختلف فعالیتهای فرهنگی در برنامه‌های دولت عموماً

تأثیر مستقیم بر حجم مصوبات [مربوط به هر حوزه] دارد. به‌عنوان مثال، در مورد میراث ملی و انتشارات، شمار قابل توجه مصوبات قانونی نشان‌دهنده اولویت این دو بخش در برنامه کار است؛ البته میراث ملی از تفوق کلی برخوردار است. در مورد میراث ملی، اکثر مصوبات با آموزش (ایجاد یا به رسمیت شناختن مدارس، دوره‌ها و اصلاحیه‌های مربوط به برنامه‌های درسی)، موزه‌ها، باستان‌شناسی، نگهداری، و بازسازی و حفظ اماکن میراث [فرهنگی] مرتبط است. همچنین حجم مصوبات، بستگی به این دارد که چند مجموعه مختلف مسئولیت میراث ملی فرهنگی را عهده‌دار است. در سال ۱۹۹۶ پیش‌نویس لایحه میراث [فرهنگی] به واسطه مخالفت پارلمان، رد شد. مهمترین مصوبات در حوزه کتاب، مرتبط با شبکه کتابخانه‌های عمومی شهرداری و کتابخانه‌های مدارس است و براساس اصول تمرکززدایی و مشارکت فرهنگی تدوین شده است. به مقررات اخیر مربوط به بازار - به واسطه تصویب‌نامه مورد نزاع درباره تثبیت قیمت کتاب‌ها - نیز باید اشاره نمود.

۲-۵- چارچوب‌های قانونی برای هنرمندان

شمار قابل توجهی فعالیت قانونی نیز در بخش موسیقی وجود داشته است، که عمدتاً در حوزه آموزش‌های هنری و حمایت از تولید (در راستای کمک به کارهای هنری خلاق و دیگر اشکال حمایت مالی، مخصوصاً برای ایجاد گروه‌های ارکستر منطقه‌ای و فعالیتهای حرفه‌ای غیردولتی در زمینه موسیقی) بوده است. اگرچه تغییرات زیاد سازمانی، کنترل این بخش را دچار مشکل می‌کند.

۳-۵- صنایع فرهنگی / فیلم / تلویزیون

در بخش رادیو و تلویزیون، نقش دولت عمدتاً تنظیم‌کننده است. در سال ۱۹۸۸ بعد از دوره بی‌نظمی که در آن تعداد زیادی "ابستگاههای رادیویی غیرمجاز" بوجود

آمد، قانونی برای کنترل فعالیت‌های رادیویی در چهارچوب مرزهای ملی تصویب شد، و متعاقب آن طرح اعطای مجوز تنظیم شد. اصلاحیه قانونی ۱۹۸۹ راه را برای اعطای مجوز به اولین گردانندگان تلویزیون خصوصی هموار نمود.

مقررات حاکم بر بخش فیلم در قانون فیلم ۱۹۷۱، همراه با مجموعه‌ای از اصلاحیه‌ها تا سال ۱۹۹۳ به قوت خود باقی بود. در سال ۱۹۹۶، در دوره حکومت فعلی، کمیسیون مأمور تهیه پیش‌نویس لایحه جدید فیلم و [محصولات] دیداری - شنیداری شد. در سال ۱۹۹۷، یک کمیته بین وزارتخانه‌ای تأسیس شد تا سیاست‌گذاری هماهنگی را در حوزه فیلم و محصولات دیداری - شنیداری اعمال کند (لایحه جدید توسط مخالفان در پارلمان رد شد). همچنین تعداد زیادی قراردادهای فیلم با کشورهای دیگر - مخصوصاً با کشورهایی که زبان رسمی آنها، زبان پرتغالی است - منعقد شده است، و تعداد کمتری از مصویبات نیز در مورد آموزش‌های هنری بوده است.

قانون مربوط به تئاتر، رقص، هنرهای دیداری - شنیداری و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی در حوزه آموزش‌های هنری متمرکز است.

۴-۵- اصلاحیه‌های مربوط به حق چاپ

۴-۵-۱- حقوق مؤلف (droits d'auteur)

قانون حق چاپ در سال ۱۹۸۵ تصویب شد و دستخوش چندین اصلاحیه در دولت‌های بعدی شد. مشکل باز تولید آثار تحت این قانون در دست بررسی است. قصد این است که اقدامات قانونی مناسب از طریق تصویب قانونی که حاکم بر حق چاپ خصوصی باشد، مورد تأیید قرار گیرد.

تصمیم اساسی دیگر، که تا اندازه‌ای با اصل کمک به تولید و کارهای خلاق مرتبط است، به حمایت بخش خصوصی مربوط می‌شود که تابع مقررات سال ۱۹۸۶ می‌گردد (به این موضوع در فصل ۷ باز خواهیم گشت).

۶- تأمین بودجه فرهنگ

۶-۱- نگاهی اجمالی

هزینه‌های منابع عمومی بخش فرهنگ تا سال ۱۹۹۳، تمایل رو به رشدی را در واحدهای مشابه نشان می‌دهد (با کمی رکود در سال جاری). پس از آن این گرایش جهت معکوس یافت. حداکثر هزینه کل در سال ۱۹۹۳ به ۳۴۶۵۵ میلیون اسکودو به قیمت ثابت (براساس ICP سال ۱۹۸۵) رسیده بود. این میزان، بالغ بر ۰/۵۷ درصد از GDP سال ۱۹۹۳ یا ۳۵۱۱ اسکودو، به ازای هر نفر، است که از منابع عمومی صرف فرهنگ می‌گردد.

۶-۲- هزینه فرهنگی سرانه

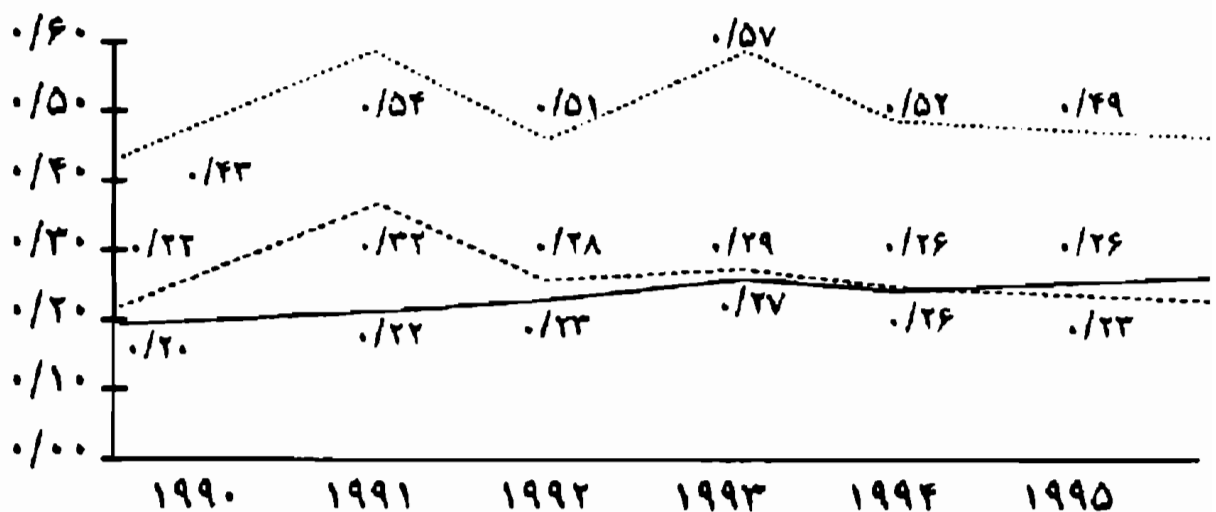
بررسی حساب‌های ملی طی دوره ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ نشان می‌دهد، در حالی‌که هزینه بخش فرهنگ، به عنوان بخشی از هزینه کلی خانواده‌های پرتغالی، در این دوره رشد داشته است، این افزایش از یک سطح نازل، بالاتر نرفته است (۶ درصد در سال ۱۹۹۲ در مقایسه با ۴/۷ درصد در سال ۱۹۸۸). اگر هزینه‌های فرهنگی مربوط به تدارکات فعالیت‌های فرهنگی حذف شوند، مانند آن است که سرمایه‌گذاری در "تجهیزات و لوازم اوقات فراغت و بازسازی آنها" مورد غفلت قرار گیرد؛ هرچند این هزینه‌ها هنوز در حال افزایش‌اند اما سطح این افزایش بسیار کم شده است (از ۲/۷ درصد در سال ۱۹۸۸ به ۳/۴ درصد در سال ۱۹۹۴ رسیده است). اگر داده‌های مربوط به مطالعه بودجه خانواده INE (مؤسسه آمار ملی Inquérito aos Orçamentos Familiares - IOF) مبنا قرار گیرد، این ارقام بازهم بیشتر کاهش می‌یابند. طبق این منبع، معدل هزینه‌های "تفریح و فرهنگ" سالانه یک خانواده در سالهای ۱۹۹۴/۹۵، ۹۶۸۰ اسکودو بود، و ۱۸۸۰۳ اسکودو نیز برای "کتاب، روزنامه، مجله و غیره" خرج گردیده است که رویهمرفته به بیش از ۱/۲ درصد متوسط هزینه سالانه خانواده‌های پرتغالی نمی‌رسد.

۳-۶. هزینه‌های عمومی فرهنگ برحسب سطوح دولت

دولت مرکزی حداکثر [هزینه] کلی خود در سال ۱۹۹۱ را، ۱۸۹۳۵ میلیون اسکودو به قیمت ثابت، - مطابق با ۰/۳۲ درصد GDP یا ۱۹۱۵ اسکودو هزینه سرانه - اعلام کرد. دولت محلی حداکثر [هزینه] کلی خود در سال ۱۹۹۵ را، ۱۶۸۳۳ میلیون اسکودو به قیمت‌های ثابت اعلام کرد که ۰/۲۶ درصد GDP یا ۱۶۹۶ اسکودو به ازای هر نفر را نشان می‌دهد.

بررسی دقیق‌تر هزینه‌های عمومی نشان می‌دهد (نمودار شماره ۶) که دولت مرکزی سهم عمده‌ای تا سال ۱۹۹۴ داشت؛ سالی که هزینه‌ها برحسب دو سطح دولتی عملاً یکسان بود. سهم دولت مرکزی در سال ۱۹۹۵ کاهش یافت. همچنین باید اشاره شود که هزینه دولت محلی در طول این دوره در مقایسه با دولت مرکزی افزایش به مراتب بیشتری را نشان می‌دهد (به ترتیب ۴۳/۶ درصد و ۱۴/۵ درصد). به‌طور خلاصه، نقطه تقاطعی در هزینه‌های فرهنگی سهم دولت مرکزی و سهم دولت محلی وجود داشته است، اولی کاهش و دومی افزایش پیدا کرده است.

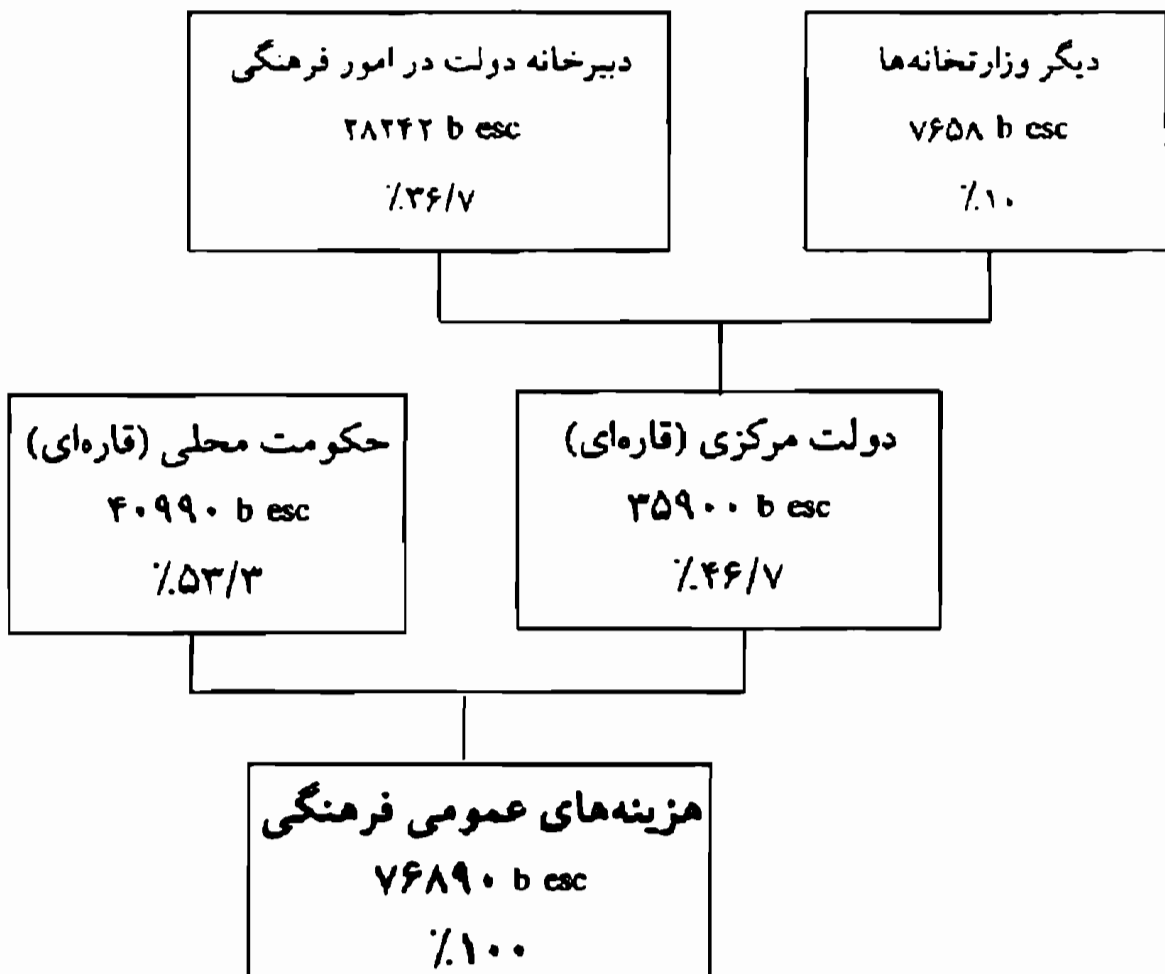
نمودار ۶- هزینه عمومی فرهنگ، به عنوان درصدی از GDP، ۱۹۹۰-۱۹۹۵



..... درصد دولت مرکزی ——— درصد دولت محلی

باید اشاره شود که از کل هزینه‌های عمومی (در پرتغال قاره‌ای) در سال ۱۹۹۵ (تقریباً ۷۷ میلیارد اسکودو به قیمت‌های ثابت) ۳۶/۷ درصد را دبیرخانه دولت در امور فرهنگی (SEC)، ۱۰ درصد را دیگر وزارتخانه‌ها و ۵۳/۵ درصد را دولت محلی تأمین کرد (نمودار شماره ۷).

نمودار ۷- تفکیک هزینه‌های عمومی فرهنگی، پرتغال قاره‌ای (۱۹۹۵)
(میلیون اسکودو در قیمت‌های جاری "b esc")



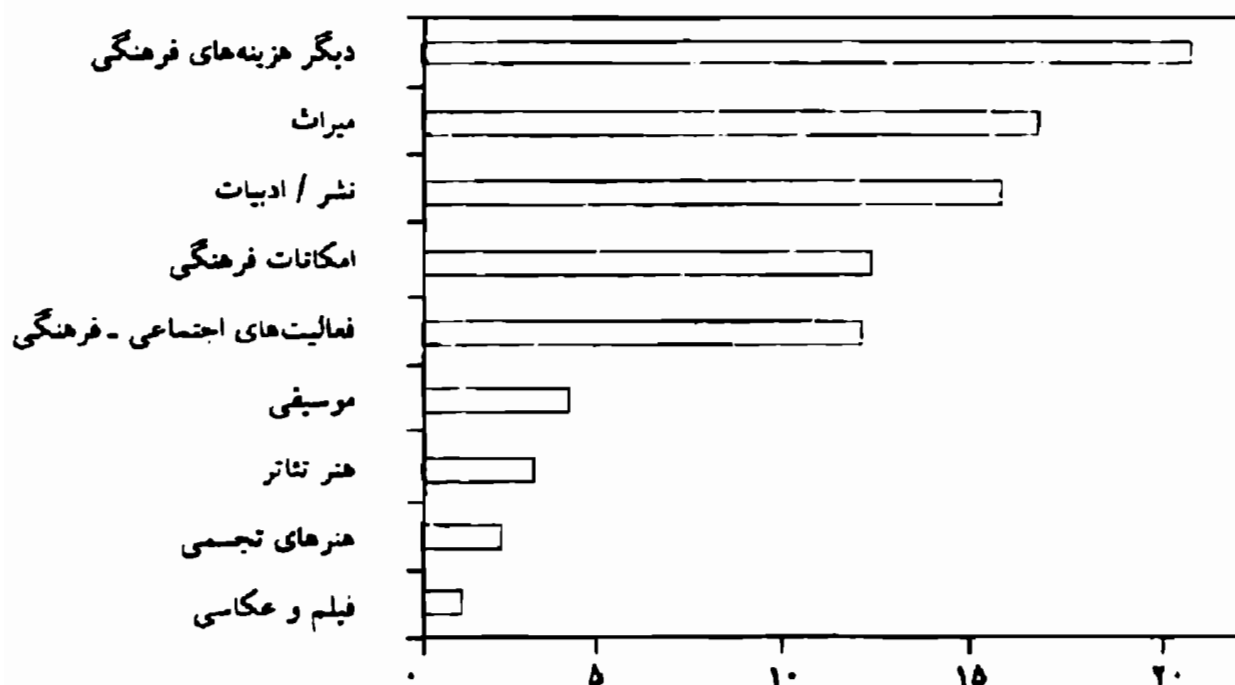
Source: INE/OAC pour'Ad. Locale' SEC' Pour' SEC'; MF/ DGCP et OAC pour'Ad Centrale.

۴-۶- [هزینه‌ها] به تفکیک بخشها

اگر هزینه صرف شده از جانب مسئولین محلی با هزینه صرف شده از جانب هیأت دولت یا وزارتخانه مقایسه شود (به نمودارهای ۸ و ۹ نگاه کنید) جمع کل پرداختی مربوط به دو سطح دولت در حوزه‌های مختلف به دست می‌آید: (نظیر "میراث فرهنگی"، که اولویت نخست مسئولین دولتی است - "رسانه‌های نوشتاری" - کتاب‌ها، مطالعه، نشر و غیره - یا "فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی") و حوزه‌های مربوط: "نشر / ادبیات"، "امکانات فرهنگی"، "موسیقی" - که تحت نظر دولت محلی قرار دارند - و "فیلم، رسانه‌های دیداری - شنیداری و عکس" و "هنرهای نمایشی" زیر نظر دولت مرکزی.

نمودار ۸- هزینه ادارات محلی برحسب بخش،

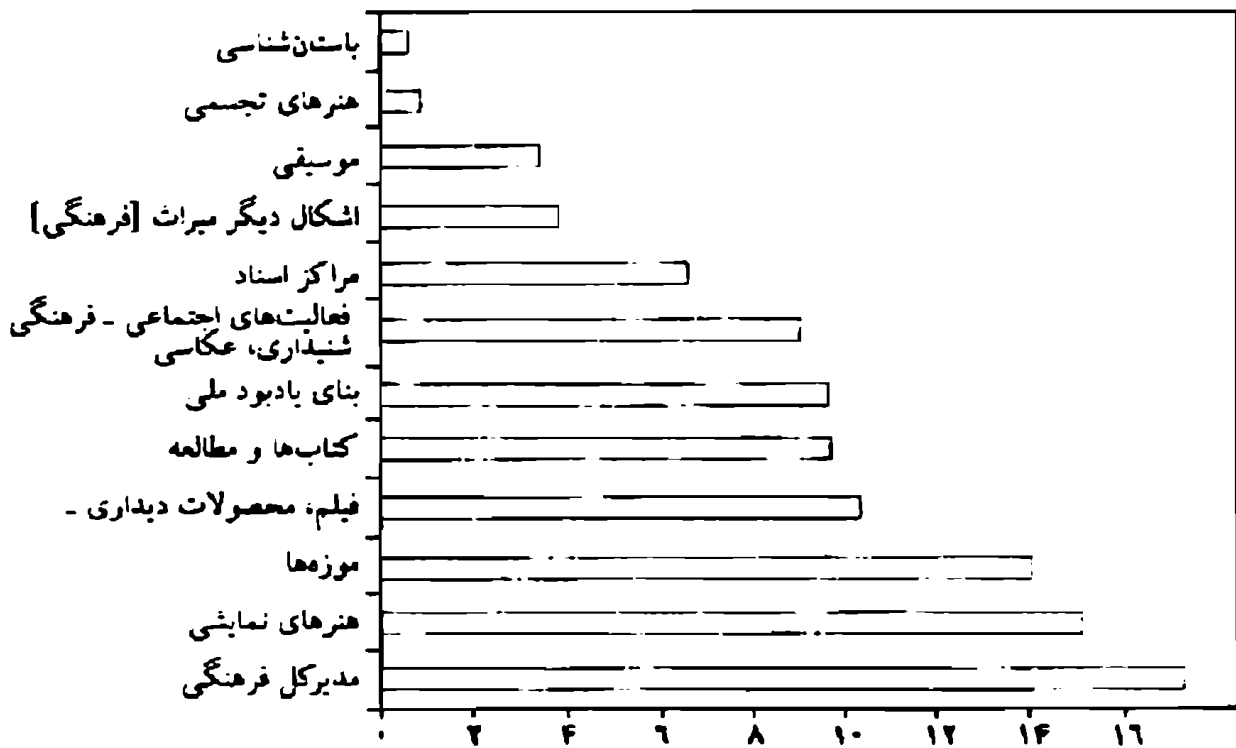
۱۹۸۶-۱۹۹۵ (کل)



به درصد کل (۱۹۸۶-۱۹۹۵): ۷۴۲۹۹ میلیارد اسکودو به قیمت ثابت (۱۹۸۵)

Sources: INE, Estatísticas da Cultural, Desporto e Recreio; OAC

نمودار ۹- هزینه به نسبت هر بخش، ۱۹۸۵-۱۹۹۵ (کل)



درصدها نسبت به کل هزینه بخشها در فاصله سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۵ محاسبه گردیده است. این هزینه ۸۸۲۶۰ میلیارد اسکودو به قیمت ثابت سال ۱۹۸۵ بوده است.

Sources: SEC / DGESGO / GP Cultura. Relatório de Actividades 1985-1995 et OAC

۷- مؤسسات فرهنگی و مشارکت‌های جدید

۱-۷- واگذاری مجدد مسؤولیت‌های عمومی

فرایند کلی خصوصی‌سازی در پرتغال، به‌ویژه در مورد قوانین حمایتی، قانون ایجاد ایستگاههای رادیو و تلویزیون خصوصی و قانون ایجاد بنیادهای حمایتی دولتی (بنیاد "São Carlos" و بنیاد مکتشفان) به خوبی مشهود است.

۲-۷- وضعیت، نقش و پیشرفت نهادهای مهم فرهنگی

مطلب جالب توجه در حرکت (تأحدودی احساساتی) به سوی خصوصی‌سازی فرهنگ در پرتغال - در فاصله سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ - تشویق حمایت‌های

خصوصی و تشویق کمک‌های بخش خصوصی به بنیادهایی است که در برخی موارد به ابتکار دولت تأسیس شده بودند.

قانون حمایتی که به آن اشاره گردید، در سال ۱۹۸۶ به صورت مصوبه درآمد و سپس چندین بار اصلاح شد و امتیازات مالیاتی شرکت‌های حمایت‌کننده را افزایش داد. حمایت‌کنندگان عموماً از شرکت‌های بخش صنعتی و خدماتی هستند؛ در حالیکه بیشترین سهم هزینه به عهده بخش بودجه و دارایی است. حوزه‌های فرهنگی مورد حمایت عبارتند از: موسیقی، تئاتر، هنرهای دیداری و طرح‌های "چندوجهی".

سهم دارایی در ده سال گذشته پس از اعلام قانون حمایتی، از ۱/۳ درصد در سال ۱۹۸۷ به ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت و اوج آن ۳۱/۶ درصد در سال ۱۹۹۴ بود (سالی که لیسبون مرکز فرهنگی اروپا قلمداد گردید). بارها اقدامات گوناگون حمایتی براساس مبنای کاملاً شخصی صورت گرفت که رویکردی بسیار شبیه به رویکرد فعالیت‌های داوطلبانه را داشت. این گرایش نباید موجب غفلت از این واقعیت گردد که حمایت می‌تواند اشکال دیگری - اشکال پویاتر و حرفه‌ای‌تر - داشته باشد.

فرایند خصوصی‌سازی کمک‌های فرهنگی را می‌توان در ایجاد بنیادها نیز مشاهده کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰، مواد قانونی حاکم بر تأسیسات و فعالیت بنیادها منتشر شد.

مصوبه ۱۹۸۶ مقرر می‌دارد که هدایایی که به بنیادها اعطا می‌شود، به طور خودکار مبلغ عوارض مالیات بر درآمد را کاهش می‌دهد؛ البته در صورتی که سهم دولت، مناطق مستقل یا مسوولین محلی حداقل ۵۰٪ از بودجه اولیه را شامل شود. احتمالاً بنیادها، مؤسساتی هستند که تعهدات جامعه مدنی را به بهترین شکل نشان می‌دهند. بنیادها با سرمایه خصوصی قابل توجه تأسیس می‌شوند، اما در حقیقت، کمک‌هایی نیز از دولت دریافت می‌کنند که در مطابقت با تأمین سهمی از هزینه‌های

ثابت جاری است. بین سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۹، در این راستا، شماری از بنیادها بوجود آمدند؛ بنیاد serralves، بنیاد Arpad Szenes-Vieira da Silva، بنیاد مکتشفان و بنیاد São Carlos. البته در مورد دو بنیاد اخیر سهم سرمایه خصوصی حتی برای هزینه نگهداری هم کفاف نمی‌داد.

۳-۷- مشارکت‌ها یا همکاری‌های جدید

در حال حاضر، ساختار سازمانی بنیادهای São Carlos و مکتشفان در حال بازنگری است. تجدید نظر در الگوی عملی آنها در راستای تبدیل این تسهیلات فرهنگی، به نمونه‌های خوبی از همکاری بین بخش‌های دولتی و خصوصی است. تحلیلی از بنیادهای فرهنگی در گستره کامل آن، مشخص می‌کند که تقریباً نیمی از آنها یارانه‌هایی را دریافت می‌کنند که منبع عمده آنها بخشی دولتی است. ۴۳ درصد این یارانه‌ها توسط بخش دولتی، ۲۴ درصد توسط بخش خصوصی و ۳۳ درصد نیز مشترکاً توسط دو بخش فراهم می‌گردد.

از میان بنیادهای فرهنگی مشمول این تحلیل، ۱۷٪ خودکفا، ۲۷ درصد کاملاً وابسته به بودجه دولتی هستند و ۵۶ درصد نیز کمک‌های دولتی درجه دوم [به لحاظ اهمیت] دریافت می‌کنند. گروه اول از بنیادها، به‌ویژه به لحاظ ماهیت و اندازه، از یکدیگر متفاوتند. "بنیادهای کوچک" (با تأکید بر حفظ میراث هنری و فرهنگی محلی، با وجود محدودیت‌های ابزاری در این حوزه) در کنار بنیاد عظیم Gulbenkian، که پرتغالی‌ها در دهه ۱۹۶۰ آن را "وزارت فرهنگ ما" اطلاق می‌کردند، به زندگی خود ادامه می‌دهند.

توزیع جغرافیایی بنیادهای فرهنگی، شکل متعارف نقشه فرهنگی کشور را تغییر نمی‌دهد؛ بنیادها در لیسبون؛ و به دنبال آن در اوپورتو تمرکز زیادی پیدا کرده‌اند. اما بنیادهایی که دور از کرانه شمالی کشور مستقرند، تلاش‌های محلی در

جهت تمرکززدایی در فرهنگ را داشته‌اند. در حقیقت، تمرکززدایی، یکی از اهداف اصلی بنیادهایی است که در منطقه دور از کرانه شمال واقع شده‌اند؛ از سوی دیگر، بین‌المللی‌گرایی ویژگی اصلی منطقه لیسبون است. این تفاوت زیاد بین مناطق، به زمینه‌های فرهنگی‌ای اشاره دارد که اولویت‌های مختلف فرهنگی مشخصه آنهاست.

۸- حمایت از خلاقیت

۸-۱- حمایت مستقیم و غیرمستقیم

حمایت از تولید و خلاقیت، در حوزه‌های مربوط به فعالیت فرهنگی (مخصوصاً آموزش هنر) چه در متن برنامه‌های دولت و چه در مصوبات از اولویت خاصی برخوردار است.

از سال ۱۹۹۶، مجموعه‌ها و مؤسسات جدیدی بوجود آمدند: مؤسسه هنر معاصر (IAC)، مرکز عکاسی پرتغال، و موزه هنرهای معاصر (MAC)؛ این مورد اخیر، از طریق موافقت‌نامه‌ای بین وزارت فرهنگ، شهرداری اوپورتو و بنیاد Serralves بوجود آمد. (IAC) و (MAC) برای ساخت مجموعه‌های خود به حمایت نسبتاً منظم دولت نیاز دارند، اما ضمناً خود نیز تأثیر ساختاری بر بخش، تقویت خلاقیت هنری و ایجاد نوعی بازار عمومی برای [محصولات] هنرهای دیداری خواهند داشت.

در ۵ سال گذشته، از فعالیت‌های حرفه‌ای در حوزه موسیقی، از توزیع ملی و بین‌المللی موسیقی مکتوب، از انتشار نوارهای صوتی، و از برنامه‌ریزی برای موسیقی و تشویق آن حمایت به عمل آمده است (از طریق دادن یارانه به جشنواره‌ها و مسابقات). معیارها و قواعد کمک به تئاتر و فعالیت‌های رقص به اطلاع عموم رسیده است. تنوع و کیفیت از معیارهای ارزیابی و اعطای امتیاز به تئاتر هستند. به

تمرکززدایی و مشارکت طرح‌ها در تدارکات هنری، به‌ویژه برای مناطق محروم، نیز توجه شده است. کسانی که به فقدان مسؤلیت شرکت‌ها و خطر افزایش شکاف بین هنرمندان خلاق و هنرمندان عامه‌پسند - که در دایره محدودی به خلق اثر هنری می‌پردازند - توجه داشته‌اند، مفهوم جدید سیاست‌گذاری برای تئاتر را با احتیاط پذیرفته‌اند.

در مورد فیلم، در سال ۱۹۹۳ مجموعه جدیدی از مقررات، در قالب تجدیدنظر در الگوی قبلی کمک به تولید ملی بوجود آمد. زمانی که مالیات اضافی بر بلیط سینما حذف شد و مالیات بر آگهی‌های تلویزیون، جای آن را گرفت، الگوی قبلی اعتبار خود را از دست داد. تأکید صرف بر این مالیات اشاره به این حقیقت دارد که مقررات، بیشتر جنبه تحمیلی دارند تا جنبه توافق براساس مذاکره. موافقت‌نامه‌های جدید بین (IPACA) و کانال‌های تلویزیونی در سال ۱۹۹۶، و بین (IPACA) و توزیع‌کنندگان در سال ۱۹۸۸ منعقد شد (این نکته نباید فراموش شود که شمار فیلم‌های تولید شده در حال رشد است؛ همچنانکه تعداد فیلم‌هایی که برای فروش عرضه نمی‌شوند).

۲-۸- تمایل به مشارکت

نمودار ۷ تمایلات کلی در زمینه مشارکت عمومی در فعالیت‌های فرهنگی در ده سال گذشته را به‌ویژه در مورد کاهش مخاطبین سینما، تا سال ۱۹۹۴، نشان می‌دهد. از سال ۱۹۹۵، یکبار دیگر جهتی رو به بالا پدیدار می‌شود.

۲-۸-۱- شمار مخاطبین / آمار مصرف برحسب رشته‌های فعالیت

جدول ۷- تغییرات کلی مربوط به شمار مخاطبین ۱۹۸۵-۱۹۹۶ (به هزار نفر)

		۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
عمومی	م	۱۹۹۲	۱۹۰۸۶	۱۷۸۱۶	۱۷۵۱۶	۱۷۵۲۸	۱۰۲۳۲	۸۹۰۰	۸۶۸۷	۸۵۵۲	۸۱۱۲	.	.
	ش	۱۰۰	۹۵	۹۰	۷۲	۶۳	۵۲	۴۵	۴۲	۴۲	۴۱	.	.
کنسرت	م	۱۲	۱۱	۷۳	۸۲	۹۷	۶۷	۱۲۸	۲۲۲	۲۷۷	۲۶۲	۲۳۹	۲۰۹
	ش	۱۰۰	۸۵	۵۶۲	۶۲۸	۷۲۶	۵۱۵	۹۸۵	۱۸۶۲	۲۸۶۲	۲۰۳۶	۱۹۱۵	۱۶۰۸
اپرا	م	۲۶	۲۳	۲۶	۲۰	۲۲	۱۵	۱۸	۱۲	۱۲	۲۶	۲۵	۱۲
	ش	۱۰۰	۹۲	۷۲	۵۶	۶۱	۲۲	۵۰	۲۹	۲۶	۱۰۰	۹۷	۳۶
تئاتر	م	۲۸۶	۲۰۱	۵۰۳	۲۹۰	۲۸۵	۲۳۷	۲۰۲	۲۶۱	۱۹۲	۲۱۱	۲۳۲	.
	ش	۱۰۰	۸۲	۱۰۳	۱۰۱	۵۹	۶۲	۶۲	۷۲	۲۰	۸۵	۷۰	.
سینما	م	۱۸۹۸۲	۱۸۲۹۲	۱۶۹۳۱	۱۳۲۰۲	۱۱۹۰۹	۹۵۹۲	۸۷۲۲	۷۸۲۸	۶۷۸۶	۷۱۲۲	۶۳۹۷	۳۶۵۱
	ش	۱۰۰	۹۷	۸۹	۷۲	۶۳	۵۱	۴۲	۴۱	۴۱	۳۸	۳۹	۲۶
موزه‌ها	م	۵۱۲۸	۵۶۷۵	۵۶۱۳	۶۸۵۹	۶۱۸۳	۶۲۱۷	۶۵۷۸	۶۵۸۶	۷۷۰۲	۶۳۲۲	۶۶۶۷	.
	ش	۱۰۰	۱۱۰	۱۰۸	۱۲۳	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۷	۱۲۷	۱۳۹	۱۶۰	۱۶۲	.
کتابخانه‌ها	م	.	۱۲۹۲	۱۵۷۲	۱۶۲۵	۱۶۲۹	۱۲۵۷	۱۱۲۲	۱۲۲۶	۱۲۹۵	۱۶۹۱	.	.
	ش	.	۱۰۰	۱۰۵	۱۰۹	۱۰۹	۹۸	۷۲	۹۰	۸۷	۱۷۵	.	.
نمایشگاهها هنرهای شنیداری	م	۲۷۸۱	۲۳۹۲	.
	ش
مختلف عکس	م	.	۲۶۰۰۸	۲۳۷۱۹	۲۳۷۸۱	۲۰۲۷۵	۱۷۷۶۶	۱۶۲۰۲	۱۶۲۰۷	۱۶۸۶۰	۱۸۲۲۷	.	.
	ش	.	۱۰۰	۹۵	۸۸	۷۸	۶۸	۶۳	۶۳	۶۵	۷۲	.	.

ش = شاخص، م = قدرمطلق

تصویر کلی: آمار کلی مربوط به کنسرت، اپرا، تئاتر، سینما، موزه‌ها و کتابخانه‌ها.

Source: INE, Estatísticas da Cultura, Desporto e Recreio, 1985-1996.

در روند جمع‌آوری اطلاعات، کنترل اندکی وجود دارد. داده‌ها غالباً از بیانیه‌های مربوط به تغییرات در تسهیلات فرهنگی، استخراج شده‌اند. به هر حال داده‌ها تا حدی بوسیله نتایج تحقیقات پیرامون فعالیت‌های فرهنگی تصحیح می‌گردد. نگاه کنید به جدول ۸ که مربوط به لیسبون بزرگ می‌گردد و به جهت تمرکز امکانات ملی، فرهنگی در آن از اهمیت برخوردار می‌باشد.

جدول ۸- فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت ساکنان لیسبون بزرگ، ۱۹۹۴ (به درصد)

فعالیت‌ها / دفعات	منظم	گاه به گاه	به ندرت	هیچ وقت	NSP / NRP
تماشای تلویزیون	۸۳	۷/۳	۸/۲	۱/۱	۰/۴
تماشای فیلم‌های ویدیویی در منزل	۴۱	۱۳/۹	۱۵/۱	۲۹/۱	۰/۹
رفتن به سینما	۱۹/۷	۱۸/۷	۲۷/۸	۳۳/۸	۰
گوش کردن به رادیو	۶۳/۶	۱۴/۲	۱۵/۱	۶/۵	۰/۷
گوش دادن به موسیقی	۵۶/۸	۱۴/۳	۱۴/۴	۱۲/۲	۲/۴
رفتن به تئاتر	۳/۱	۹/۶	۳۱/۶	۵۵/۶	۰/۱
مطالعه (مطالعات خارج از حوزه درسی و کار)	۲۲/۳	۱۹/۴	۲۵/۷	۲۸/۳	۴/۳
خواندن روزنامه‌ها (روزانه / هفتگی)	۳۸/۳	۲۳/۱	۱۸/۹	۱۷/۹	۱/۹
خواندن مجلات	۳۹	۲۳/۲	۱۵/۱	۲۱/۲	۱/۶
خواند روزنامه‌های هفتگی	۳۶/۱	۱۹/۷	۱۶/۹	۲۶/۷	۰/۶

Source: José Machado Pais, et al. *Práticas Culturais dos Lisboaetas*, Lisbon Instituto de Ciências Sociais, 1994.

تذکر: جامعه کل از اشخاص ۱۵ سال و ۱۵ سال به بالای ساکن در منطقه لیسبون بزرگ (شامل کمون‌های لیسبون، اورباس، کاسایز، سنیترا، آمادورا، لورس، ویلا فرانکادو اکیرا، آلمادا، باربرو، سکسیال، موبتا و مونیجو) تشکیل می‌شود. در این بررسی براساس نمونه‌گیری ساده، ۱۰۰۲ مصاحبه صورت گرفته است.

۳-۸- برنامه‌ها یا ابتکارات سیاست‌گذاری به منظور تشویق مشارکت در زندگی فرهنگی

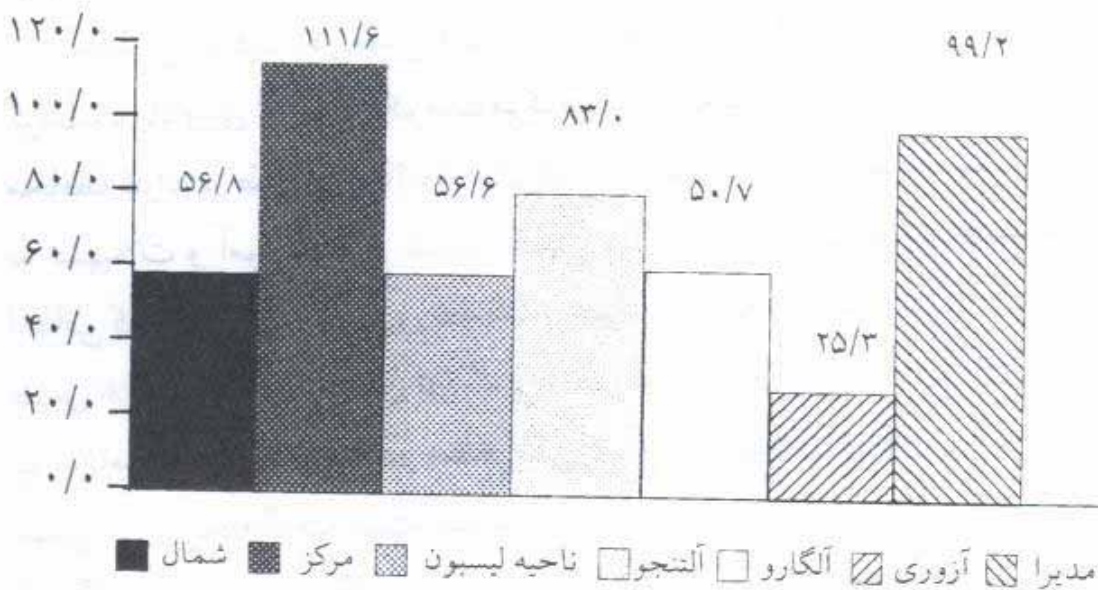
مشارکت در فعالیتهای فرهنگی می‌تواند دو هدف عمده داشته باشد: گسترش گروههای اجتماعی‌ای که به کالاها و خدمات فرهنگی دسترسی دارند، و افزایش گستره و میزان فعالیت‌هایی که این گروهها از آن بهره‌مندند. رابطه متقابل آشکاری میان اصل وسعت‌بخشی و دو اصل حمایت از خلاقیت و تمرکززدایی وجود دارد. تحقیقاتی که قبلاً (در فصل ۴)، در مورد نحوه تفسیر این اصول کلیدی صورت گرفت، با یادآوری ترجیح حکومت مرکزی به هزینه کردن در امر فرهنگ - که عملی محافظه‌کارانه در طول ۱۰ سال، از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، بود - و نیز اهمیت نسبتاً کم به تسهیلات و آموزش قائل شدن، تکمیل می‌گردد. این تصمیمات خصوصاً با اهدافی که در بالا آمد سازگاری نداشتند. اخیراً، تلاش‌هایی برای تشویق مشارکت از طریق افزایش تعداد طرح‌های توریستی (نظیر برنامه روتاس که اخیراً آغاز شده) و نیز برنامه تشویق مطالعه در سطح ملی که در آن تسهیلات و افزایش آگاهی نقش مهمی دارد، انجام گرفته است. به سرمایه‌گذاری دولتی، به‌ویژه در تسهیلات فرهنگی، نیز باید اشاره گردد: این سرمایه‌گذاری، در بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۵ تقریباً ۱۵ درصد از کل هزینه حکومت محلی در امر فرهنگ را به خود اختصاص داد، بخش قابل ملاحظه‌ای (۸۷ درصد) مربوط به هزینه‌های سرمایه‌ای است. تسهیلات چند منظوره‌ای ۵۷ درصد هزینه‌های مربوط به تسهیلات فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

۴-۸- نقش انجمن‌های فرهنگی / هنرهای آماتور

مسئولین محلی در حمایت از انجمن‌های فرهنگی و فعالیتهای فرهنگی محلی نقشی کلیدی دارند. در میان سایر ابتکارات تشویقی، انجمن‌های داوطلب سهم مهمی را در زندگی فرهنگی محلی ایفا می‌کنند. آنها در ترتیب کارهای نمایشی،

نمایشگاه‌های کتاب، نمایش فیلم و فولکلور نقشی عمده برعهده دارند. نمودار ۱۰ توزیع منطقه‌ای انجمن‌های داوطلب را نشان می‌دهد.

نمودار ۱۰- شمار انجمن‌ها به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر



Source: INE, Sourvey of Cultural associations.

تذکر: داده‌ها از فایل مربوط به پاسخ‌ها استخراج شده است. کار در جریان است.

دولت حداقل یا حداکثر در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی؟ تصدی‌گری یا نظارت؟ خلاقیت از رأس هرم قدرت (دولتمردان) یا پایه آن (شهروندان)؟ چگونگی حمایت از آثار هنری و خالقان آنها؟

مجموعه سیاستگذاری فرهنگی کشورهای جهان که سومین شماره آن به کشور پرتغال اختصاص یافته است بر آن است تا با ارائه چشم‌اندازی همه‌جانبه، ساختاری و عینی پاسخ‌جوامع صاحب‌روش و تجربه در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی را به پرسشهایی از گونه فوق، روشن نماید.

مقایسه تجربیات دیگر کشورها با نگاهی نقادانه و نیز آشنایی با مدل‌های کارآمد، بی‌گمان، مدیران و سیاستگذاران فرهنگی کشورمان را در طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های جامع‌تر و خردگراتر یاری خواهد نمود.

گروه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی



موسسه فرهنگی، هنری و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی